

# قرآن

(قسمت اول)

## نشاط و شادمانی

ناهد طیبی

پژوهشی نو در باره «فَرَح» و «مَرَح» و رویکردهای قرآنی

قرآن، منشور هدایت است و برای هدایت، ابزاری است که قرآن کریم به زیباترین و جامع‌ترین شکل از آن استفاده نموده است. حکمت، موعظه و جدال احسن به فرموده خدا از ابزار هدایت هستند و اگر با نگاهی دیگر به این ابزار بنگریم می‌توانیم آنها را در دو بخش معرفتی و محبتی ترسیم کنیم. این گونه نیست که تنها «هست‌ها و نیست‌ها» و مجموعه‌ای از معارف بلند در قرآن جمع شده باشد و «بایدها و نبایدها» در جای دیگر این کتاب انسان‌سازی، چنان جامع است که تمامی حقایق هستی در آن یافت می‌شود و هر حقیقتی هم در ترازوی حکمت نقل و نقد می‌شود و هم با معیار موعظه سنجش شده و هم در آینه رحمت الهی به تصویر کشیده می‌شود. ابتدا یک حقیقت را باید فهمید و دریافت و سپس به آن عمل کرده و دل سپرد. اینجاست که جمله آسمانی حضرت ابراهیم (ع) را می‌توان با جان آشنا ساخت که «انّی لا اهلّی الا فلین» یعنی اگر چه خدای ابراهیم (ع) با حکمت شناخته می‌شود و با موعظه و جدال احسن شناسانده می‌گردد، اما حقیقت و واقعیت این است که «رب» انسان «محبوب» اوست و تنها پرورنده و رازق و خالق ... نیست.

اکنون که با مقدمه‌ای مختصر، نمایی اجمالی - در حد وسع خود - از قرآن کریم ارائه کردیم به یکی از مباحث مهم روان‌شناختی و معرفتی از دیدگاه قرآن می‌پردازیم با این دیدگاه که قرآن، کتاب حکمت و محبت است و اندیشه و احساس هر دو منظر نظر قرآن بوده است.

«نشاط» و انبساط خاطر از جمله مقوله‌هایی است که در هر زمان مورد توجه بیشتر بوده است و در واقع از انفعالات روانی به شمار می‌رود. انسان‌ها در پشت صحنه تلاش‌های خود انگیزه‌های قوی دارند و آن ایجاد نشاط و شادی برای خویش و خانواده است و شاید بتوان گفت یکی از انگیزه‌های روان‌شناختی همین نشاط است که افراد را برای انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا مهیا می‌سازد.

فَرَح و مَرَح در قرآن

در متون و منابع دینی ما (آیات و روایات) واژه‌هایی چون «فرح» و «سرور» بیشترین بار معنایی را برای تفهیم «نشاط» به دوش می‌کشند. در مقابل این واژه‌ها می‌توان از «یأس» و «حزن» نام برد که در قرآن کریم صریحاً در مقابل «فرح» آمده‌اند. مرحوم فیض کاشانی از واژه «أشْر» نیز در تفسیر صافی استفاده کرده است.<sup>(۱)</sup>

علاوه بر واژه‌های فوق، در قرآن به کلمه‌ای بومی خوریم که معانی متعدد دارد اما به نوعی با «فرح» ارتباط دارد و آن «مَرَح» است. «مرح» در کتب لغت به معنای نشاط و خوشی آمده است و عرب به هر چیز نشاط آور و شادکننده «مروح» می‌گوید.<sup>(۲)</sup> از نظر علم تفسیر تفاوتی بین «فرح» و «مرح» وجود دارد که بسیار ظریف و زیبا است. «فرح» هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی و در مواردی نهی شده و ممدوح است و در موارد دیگری مذموم؛ که ما در این مقاله به این موارد خواهیم پرداخت، اما «مرح» که تنها سه مورد در قرآن استفاده شده است فقط جنبه منفی داشته و مورد نهی قرار گرفته است. به همین دلیل است که «فرح» مقید به حق و باطل شده است اما «مرح» بدون قید ذکر شده است.<sup>(۳)</sup> بنابراین برخی از «فرح»‌ها از نوع «مرح» هستند ولی عکس این مسأله صادق نیست.

راغب می‌گوید: «فرح به معنای گشادگی دل است به وسیله لذتی زودگذر که بیشتر در لذت‌های بدنی است. ولی «مرح» به معنای شدت فرح و بی‌بند و باری در آن است.»<sup>(۴)</sup> اکنون که با واژه‌های مربوط به بحث آشنایی اجمالی یافتیم، به اصل بحث می‌پردازیم.

### نشاط چیست؟

عالمان علوم تربیتی و روان‌شناسان، کلیه اعمال انسان را در سه حیطه شناختی، عاطفی و عملکردی (روانی - حرکتی) تعریف می‌کنند و معتقدند که هر مقوله‌ای باید در این سه محدوده بررسی شود. در حیطه شناختی که به اندیشه انسان مربوط می‌شود، شناخت و درک او از یک پدیده مهم است. ما در این قسمت از نوشتار به شناخت نشاط می‌پردازیم.

آیا نشاط، برخاسته از عوامل درونی است و یا پاسخی است به محرک‌های بیرونی؟ آیا نشاط در باطن انسان ایجاد می‌شود و در ظاهر به وسیله خنده و یا بشاشت چهره و یا هر رفتار ظاهری دیگری نمود می‌یابد و یا این که پس از چنین حالت‌هایی که در ظاهر پدید می‌آید نشاط درونی هم حاصل می‌شود؟ آیا می‌توان برای ایجاد نشاط فردی و اجتماعی نسخه‌ای نوشت؟ آیا بیماری «بی‌نشاطی» قابل درمان است؟ داروی این بیماری چیست؟ و .....

پرسش‌های فراوانی در این مورد وجود دارد که طبیعتاً پرداختن به همه آنها و حتی نیمی از آنها خارج از محدوده پژوهشی ما است. برخی از پاسخ‌ها در اثنای بحث‌های بعدی می‌آید و زمینه پاسخ‌پارهای از سؤالات را نیز با ارجاع به منابع مناسب و معتبر فراهم خواهیم کرد تا ناچار به ایجاز‌گویی نشویم و در اصل مطلب اشکالی وارد نشود. از دیدگاه قرآن کریم، نشاط به دو صورت حق و غیرحق<sup>(۵)</sup> است. نشاط صحیح و حق، نشاطی است که



ظاهر و باطن آن یکی باشد یعنی در ظاهر همان جلوه باطنی نشاط تجلی کند و اندهی در پی آن نباشد. اما نشاط کاذب و باطل (غیرحق) ظاهر آن نشاط است ولی باطن آن اندوه و غم است. به عبارت دیگر در دل هر نشاط کاذبی، اندوه صادقی هست و هنگامی که قیامت فرا می‌رسد و «یهوم تیلی السراثر» است و فقط باطن اشیاء آشکارا می‌شود، این افراد، اندوهگین هستند و در واقع اندوه باطنی آنها که در دل نشاط ظاهری بود برملا می‌شود. آیت الله جوادی آملی با تعبیرات زیبایی از این نشاط و اندوه سخن می‌گوید:

«در هر نشاط کاذبی، اندوه صادقی هست و وقتی روز حق (قیامت) ظهور می‌کند، آن اندوه صادق است که بروز می‌کند، لذا اینها در آن زمان افسرده هستند و «و هموه یومئذ علیها غبره کزهقهها قتره» چهره‌هایشان غمگین و گرفته است.»<sup>(۶)</sup>

بنابر معارف قرآنی نشاط حقیقی آن است که هم در ظاهر و هم در باطن افراد باشد. البته برای تعریف نشاط، آشنایی با انواع آن ضروری است اما در یک جمله می‌توان گفت:

آن گاه که خاستگاه و ریشه نشاط هر انسانی به خداوند و فضل و رحمت او برگردد، نشاط حقیقی و صادق برای او ایجاد می‌شود که در قیامت به همان شکل دنیایی ظهور می‌کند و زمانی که برای مسایل دنیوی همچون، مال، مقام و ... شاد گردد، نشاط کاذب را به دست آورده است.

## قرآن و نشاط حقیقی:

بیش از این، نشاط حقیقی را به صورت اجمال و در حد بضاعت نوشتار حاضر توضیح دادیم. اینک به شرح مفصل آن در سایه بررسی خاستگاه‌ها و ریشه‌های این نوع نشاط می‌پردازیم. با تأمل در قرآن، این کتاب آسمانی و کتب تفاسیر به این حقیقت می‌رسیم که نشاط حقیقی و صادق، ساختار و روینایی است که بر پایه‌ها و شالوده‌های اساسی زیر بنا می‌شود:

### الف) نشاط برای دریافت و درک وحی:

از ویژگی‌های والای مؤمنان این است که پس از شنیدن آیات الهی هم به ایمان آنان افزوده می‌شود وهم در دل احساس شادمانی و دلخوشی می‌کنند. در قرآن چنین آمده است که:

«و اذا ما انزلت سورة فهم من يقول اتيكم زادته هذه ايمانا فاما الذين امنوا فزادتهم ايمانا و هم يستبشرون»<sup>(۷)</sup>

و چون سوره‌ای نازل شود، از میان آنان کسی است که می‌گوید: این [سوره] ایمان کدام یک از شما را افزود؟ اما کسانی که ایمان آورده‌اند بر ایمانشان می‌افزاید و آنان شادمانی می‌کنند.

آیه مذکور به صورت عام به مؤمنان اشاره می‌کند بدون بیان گروه آنان اما در آیه دیگری، اهل کتاب (یهود، نصارا و مجوس) را به عنوان کسانی که از شنیدن آیات الهی خوشحال می‌شوند ذکر کرده و می‌فرماید:

«و کسانی که به آنان کتاب [آسمانی] داده‌ایم، از آنچه به سوی تو نازل شده است، شاد می‌شوند»<sup>(۸)</sup>

لازم به ذکر است که به گفته علامه طباطبایی (ره) این آیات در مکه نازل شده است و نه در مدینه؛ در مکه یهودیان خرسند و شاد بودند وقتی آیات الهی را می‌شنیدند<sup>(۹)</sup> چون در کتاب‌های آنان بشارت به ظهور پیامبری در آخر الزمان داده شده بود اگر چه در مدینه بسیاری از کارشکنی‌های مخالفان دین اسلام مربوط به یهودیان می‌باشد. البته مخالفت یهودیانی که موحد بودند با بت پرستان و مشرکان دلیل دیگر برای این احساس آنها نسبت به آیات الهی در ابتدای ابلاغ کلام خدا به مردم بود.

حضرت علی (ع) نیز در نهج البلاغه یکی از علامت‌های متقین را «و نشاطاً فی هدی»<sup>(۱۰)</sup> ذکر نموده و می‌فرماید: متقین در راه هدایت شادمان هستند.

### ب) نشاط از فضل و رحمت الهی:

در آیات زیادی از فضل الهی سخن به میان آمده است، اما آنجا که نشاط و شادمانی را به عنوان محصول فضل الهی ذکر می‌کند محدود است. در سوره یونس دو عامل فضل و رحمت خدا را مایه شادی دانسته و می‌فرماید:

«قل بفضل الله و برحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون»<sup>(۱۱)</sup>

بگو: «به فضل و رحمت خدا است که [مؤمنان] باید شاد شوند و این از هر چه گرد می‌آورند بهتر است.» مرحوم علامه طباطبایی برای فضل و رحمت الهی وجوهی را بیان می‌کند که عبارتند از:

«الف) فضل به معنای «زیاده» است و عطیه و بخشش را از آن رو فضل می‌گویند که بخشنده مالی را که احتیاج ندارد، می‌بخشد و چون خدا بی‌نیاز است بخشش او «فضل» شمرده می‌شود.»

«ب) فضل عطاها بی است که خداوند در برابر عموم مخلوقات گسترده و رحمت مخصوص مؤمنان است و به آنان اعطاء می‌شود.»

ج) مراد از فضل اموری است که در آیه قبل (۵۷) ذکر شده است غیر از رحمت یعنی موعظه و شفای دردهای نهانی و هدایت ولی مراد از رحمت همان رحمت در آیه قبل است یعنی عطیه خاص الهی که سعادت دنیوی و اخروی است.

د) فضل و رحمت هر دو سبب مستقلی هستند و اگر جمع شوند شایستگی شادمانی را دارند (فبذلك فليفرحوا). مرحوم علامه (ره) وجه سوم را وجیه‌تر می‌داند و آیه شریفه «لولا فضل الله عليكم و رحمته ما اكنتم منكم»<sup>(۱۲)</sup> را به عنوان مؤید این قول دانسته و معنای آیه ر چنین بیان می‌کند:

«تفضلی که خدا برای آنها قرار داد (موعظه، شفای دردهای نهانی و هدایت) و همچنین رحمتی که برای آنان فرستاد (یعنی زندگی پاکیزه‌ای نصیب آنان کرد) شایستگی بیشتری برای شادمانی دارد تا مال‌هایی که گرد می‌آورند.»<sup>(۱۳)</sup>

در هر حال آیه مذکور فرع بر آیه قبلی بوده و بیانگر این نکته است که نشاط حقیقی به خاطر توجه به فضل و رحمت الهی حاصل می‌شود و نه پس از گردآوری مال و ثروت (هو فیر مما یجمعون) زیرا ثروت انسان را جاودانه نمی‌کند و آنان که «یجمعون ان ماله افلده» گمان می‌کنند مالشان خلود می‌آورد سخت در اشتباه هستند.

از این رو در آل عمران نیز آمده است: به نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌سازد شادی می‌کنند.<sup>(۱۴)</sup>

افزون بر آیات شریفه، در روایات نیز این نوع نشاط مطرح شده است. در خطبه همام آن‌گاه که حضرت امیر(ع) صفات متقین را برمی‌شمرد، می‌فرماید:

«... یبیت مژرا و یصیغ فرما؛ مژرا لما مژر من الغفله و فرماً بما اصاب من الفضل و الهمه»

او [متقی] شب می‌خوابد اما ترسان و صبح برمی‌خیزد در حالی که شادمان است. ترس برای این که مبادا دچار غفلت شود و شادمانی برای فضل و رحمتی که [از ناحیه خدا] به او رسیده است.





در روایت مذکور «فرح» و «حذر» در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و حضرت با بیان علت ترس و شادی، آن را از دیگر انواع ترس و همچنین نشاط جدا ساخته است. نشاط متقین، نشاط حقیقی و صادق است چرا که به خاطر فضل و رحمت الهی است و خوف و ترس و حزن آنها نیز صادق است، زیرا از غفلت و بی‌خبری می‌ترسند و پرهیز می‌کنند نه از امور عادی و شکست‌های طبیعی زندگی.

البته در این خطبه، علاوه بر بیان فضل و رحمت الهی به عنوان زمینه نشاط متقین، از هدایت و دریافت پیام هدایت الهی نیز ذکر شده است که پیش از این بیان شده آنجا که حضرت در باب صفات متقین می‌فرماید:

«... در عبادت، فروتن در تهیدستی آراسته، در سختی‌ها بردبار، در جستجوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان و پرهیزکننده از طمع‌ورزی هستند.»<sup>(۱۵)</sup>

۱۰۱ کتاب الطباقی فی تفسیر القرآن، فیض کاشان، ج ۱، ص ۳۸۶۳ فرهنگ جامع بون، احمد سیاح، ج (علاء) ۳ و ۴، ص ۱۹۸۸  
 ۱۰۲ مجمع البحرین، طبرسی، ج ۴، ص ۳۷۷  
 ۱۰۳ مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۸، ص ۵۲۷  
 ۱۰۴ المذاهب الثمینیة، رجب الصفوانی، ص ۳۷۵  
 ۱۰۵ ذلکم ما کنتم تعلمون فی الارض یحییون و ما کنتم تعلمون (اعراف، ۷۵)  
 ۱۰۶ رکن تفسیر تفسیر آیت، حوالی آیت تاریخ ۱۸۲۳۳، مسجد اعظم قم، او در آن روز چهارم است که به الفا عبار نشسته و آثار تاریکی پوشانیده است.  
 ۱۰۷ توبه / ۱۲۴  
 ۱۰۸ رعد / ۲۶  
 ۱۰۹ المذاهب فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۷۱ رکن تفسیر برکنر، ج ۴، ص ۵۱۸، الطرحان، ج ۲، ص ۲۹۶  
 ۱۱۰ فتح الباری، حنفه، ۱۹۳  
 ۱۱۱ بونی / ۵۸  
 ۱۱۲ نور / ۱۰۴  
 ۱۱۳ المذاهب فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۲  
 ۱۱۴ المیزان / ۱۷  
 ۱۱۵ فتح الباری، حنفه، ۱۹۸

قرآن کریم:

وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ

و خدا با شماست

هر جا که باشید